

واکاوی جایگاه شیعیان در تحولات سیاسی کویت

دکتر اصغر منظر القائم^۱

معصومه بندانی^۲

چکیده

رستاخیز شیعه در میان شیعیان خلیج فارس نوعی اعتراض به محرومیت هایی بود که در طول تاریخ همواره بر آنان تحمیل شده بود. در جامعه کویت نیز عقاید سیاسی موجود در میان شیعیان طیفی را در بر می گیرد که از نگرش های چپ گرا، لیبرال، سکولار تا ایدئولوژی محافظه کار اسلام گرا امتداد دارد و علیرغم این تنوع گرایش ها، شیعیان کویت از طیف های مختلف با ایجاد گروه ها و تشکل هایی ، به دنبال احقة حقوق از دست رفته خود بوده و با این که شیعیان بیش از ۳۰ درصد از جمعیت کویت را تشکیل می دهند ولی تا چند سال گذشته حق دخالت در امور سیاسی واجتماعی کویت را نداشتند. اما سرانجام با پافشاری و ایجاد تشکیلاتی منظم برای پیگیری خواسته های خود، سرانجام توائیستند در مسائل سیاسی و اجتماعی کویت نقشی هرچند کمرنگ ولی امیدوار کننده داشته باشند البته باید اذعان داشت که ایدئولوژی مذهبی شیعی در کویت از انقلاب اسلامی ایران متاثر بوده است. بر این اساس هدف اصلی این مقاله واکاوی جایگاه شیعیان در تحولات سیاسی کویت می باشد در ضمن روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی: کویت، شیعیان، تحولات سیاسی، انقلاب اسلامی ایران.

۱. دانشیار و عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

۲. کارشناسی ارشد شیعه شناسی دانشگاه اصفهان.

در میان کشورهای حوزه خلیج فارس، مردم کویت از آگاهی و رشد سیاسی و سطح علمی خوبی نسبت به سایر کشورهای عرب برخوردارند. وجود مطبوعات گوناگون و امکان اظهار عقاید مختلف زمینه مناسبی جهت رشد افکار و ارتقاء سطح فکری جامعه فراهم نموده است. کشور کویت به دلیل وجود و حضور گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی با گرایش‌های مختلف، دارای فضای نسبتاً باز سیاسی می‌باشد. انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ م ایران که با افزایش آگاهی افکار عمومی و بیداری جامعه شیعیان کویت، موجب رشد فعالیت‌های سیاسی در میان شیعیان کویت شد؛ احیای پاره‌ای از حقوق از دست رفته شیعیان کویت را سبب شد. کویت که حضور و فعالیت‌های گروه‌های مختلف را در جامعه کویت می‌پذیرد علیرغم ممنوع بودن فعالیت رسمی احزاب در این کشور، نباید نقش وahمیت طبقه روشنفکر حاکم را نادیده گرفت زیرا در صورت عدم وجود این طبقه، هرگز اقلیت شیعه امکان دستیابی به مقام‌های نسبتاً حساس و مهم را در جامعه کویت و حداقل در زمینه مسائل سیاسی پیدا نمی‌کردند.

جغرافیای تاریخی کویت

کویت در اوایل سده ۱۸ م. توسط طایفه عنیزه که قبیله‌ای از اهالی نجد بودند تاسیس شد. این طوابیف در اواخر سده ۱۷ م. به تدریج از نجد به سواحل خلیج فارس مهاجرت کردند. خاندان صباح که در سال ۱۷۱۰ به علت خشکسالی از نجد فرار کردند به همراه خانواده‌های دیگری به زوباره در ساحل غربی قطر رفتند اما بدلیل شرایط نامساعد آن جا، به شمال کویت کوچ کردند. هنگامی که بنی عتوب وارد کویت شدند با جامعه کوچک بنی خالد رو به رو شدند. احتمال می‌رود که قوم بنی خالد در آن جا دژی ساخته باشند که نام کویت یعنی مصغر کلمه "کوت" یا "دژ" از آن گرفته شده است. حمایت بنی خالد از کویت، در ترقی و پیشرفت آن به عنوان یک شهر تجاری نقش عمده‌ای داشتند. در این زمان آن چه موجب رونق تجارت کاروانی کویت با حلب و بغداد و تجارت غیر قانونی با عثمانی می‌شد؛ وجود لنگر گاه‌های طبیعی در کویت

بود(کریستال ، ۱۳۷۸ ، ۳۵ : ۳۳). کشور کویت با مساحت ۱۷۸۱۷ کیلومتر مربع (و به روایتی ۱۷۸۱۸ کیلومتر مربع) و جمعیت حدودا دو میلیون نفر (و به روایتی ۲/۳۰ میلیون نفر) جزو کشورهای کوچک طبقه بندی می شود. از آن جا که فعالیت های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره پیرامون شهر کویت می چرخد از نظر مساحت و جمعیت می توان مفهوم دولت - شهر را بر کویت اطلاق کرد. از طرفی موقعیت جغرافیایی کویت و هم مرزی با کشورهای بزرگ منطقه چون ایران، عربستان و عراق مشکل بقا و امنیت را به صورت بزرگ ترین و مهم ترین مشکل مبتلا به کویت درآورده است. کویت سرزمینی است مسطح و بیابانی که سطح آن را ماسه یوشانده است. ناحیه شمالی کشور با تپه ای که به صورت پراکنده در آن وجود دارد، تمایز می شود. این تپه ها با نزدیک شدن به ساحل، شکل زنجیره ای متصل در طول ساحل شمالی به خود می گیرد که نام «جان الزور» بر آن اطلاق می شود. ارتفاع این تپه های زنجیره ای شکل به حدود ۱۴۵ متر می رسد و به بیابان «ام الرمم» ختم می شود. در کویت عوارض طبیعی چون کوه و رود وجود ندارد (فیلی روباری، ۱۳۳۵ : ۱۷ ، ۱). تنوع قومیتی در کویت امکان برقراری انسجام ملی را دشوار ساخته است. بر اساس آخرین سرشماری ها در اطلس جهانی، جمعیت این کشور حدودا ۱۹۹۹۱۱۵ نفر اعلام شد که حدودا ۳۲٪ از آنان زیر ۱۴ سال، ۶۶٪ جمعیت فعال بین ۱۵ تا ۶۴ سال و بقیه بالای ۶۵ سال دارند (متقی زاده، ۱۳۸۴ : ۱۲۰ ، ۱۱۹). کویت با وجود وسعت کم، یکی از بزرگ ترین کشورهای تولید کننده نفت جهان است. ذخایر نفتی این کشور هفتاد میلیارد بشکه تخمين زده می شود که بیش از سه برابر ذخایر نفتی ایالات متحده امریکا و ده درصد کل ذخایر نفتی جهان است (فیلی روباری، ۱۳۳۵ : ۴۱). همچنین ذخایر گاز طبیعی شناخته شده در کویت ۱۴۹۸ میلیارد متر مکعب تخمين زده می شود (فیلی روباری، ۱۳۳۵ : ۴۶). اصولا کویت تمام صادرات نفتی خود را از طریق تنگه هرمز انجام می دهد (متقی زاده، ۱۳۸۴ : ۱۲۱). کویت دارای چهار بندر عمده است. دو بندر قدیمی یعنی مینا احمدی و مینا عبدالله که اختصاص به صدور نفت دارد. کویت درای دو بندر جدید نیز به نام های شویخ و شعیبیه است (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴ : ۲۳۱). تجارت خارجی کویت از طریق بندر شویخ و شعیبیه و الاحمدی انجام می گیرد (حافظ نیا، ۱۳۷۱ : ۲۷۴).

روند تاریخی استقلال کویت

اولین تماس رسمی کویت با انگلستان از سال ۱۷۷۵ م ایجاد شد که کمپانی هند شرقی نامه‌های خود را از طریق کویت با انگلستان رد و بدل می‌کردند.(کریستال،۱۳۷۷: ۴۰) در سال ۱۸۹۹ م با توصیه کرزن که در آن زمان نائب السلطنه هند بود، بریتانیا معاهده ای سری با شیخ مبارک امضاء کرد و طبق آن کویت تحت الحمایه بریتانیا قرار گرفت(استندیش،۱۳۸۳: ۲۵۰). قرارداد ۱۹۱۳ م که بین بریتانیا و عثمانی منعقد شد استقلال کویت را از عثمانی به رسمیت می‌شناخت و این سرزمین را به دو قسمت تقسیم می‌کرد: ۱-بخش شهر کویت که در آن شیخ کویت با خود اختاری حکومت می‌کرد. ۲-بخشی که شامل تمام قبیله‌ای موجود تحت فرمان شیخ کویت بودند و او می‌توانست همچون گذشته از آن‌ها مالیات دریافت کند. از سوی دیگر حکومت عثمانی در این قرارداد صحت تمامی قراردادها را که پیش از این، میان شیخ کویت و بریتانیا به امضاء رسیده بود تایید کرد و متعهد شد که به آن‌ها احترام بگذارد(استندیش، ۱۳۸۳: ۲۶۹). در آوریل ۱۹۲۳ با تلاش کمیسر بریتانیا در عراق موافقت نامه‌ای به امضاء رسید که بر اساس آن مرزهای تعیین شده در قرارداد ۱۹۱۳ توسط عراق به رسمیت شناخته شد(جفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۳۰). سرانجام در صبح روز ۱۹ زوئیه ۱۹۶۱ در لندن و کویت نامه‌هایی میان امیر کویت(شیخ عبدالله سالم الصباح) و سر ویلیام لویس(مسئول امور انگلیس در خلیج فارس) مبادله شد که این نامه‌ها متضمن مساله استقلال کویت و پایان زمان قرارداد ۲۳ زانویه ۱۸۹۹ بود(سعید، ۱۹۶۸: ۳۰۵). شورای امنیت سازمان ملل در ماه مه سال ۱۹۶۱ با درخواست کویت مبنی بر پیوستن به این سازمان موافقت کرد و کویت صد و یازدهمین دولت در سازمان ملل گردید (گروه تحقیق مرکز مطالعات و پژوهش‌های کویت: کویت از پیدایش تا بحران، ۱۳۸۱: ۱۳۸).

ساختمان سیاسی کویت

نحوه توزیع و پراکندگی جمعیت‌های شیعی کشورهای خلیج فارس از جنبه‌های گوناگون اهمیت دارد. در برخی از این کشورها تجمع شیعیان در مناطق استراتژیک و به

ویژه مراکز نفتی سبب شده است نفوذ قابل توجهی در اقتصاد داشته باشند. حضور آن‌ها در کارخانه‌ها، پالایشگاه‌ها و مراکز تجاری در صد بالای احتمال اعتراض و امکان فلج نمودن اقتصاد کشور را به همراه دارد و یا حتی دوری و نزدیکی به پایتخت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نزدیک بودن محل تمرکز آنان به مراکز سیاسی، از یکسو میزان آگاهی آنان را از حقوق شهروندی خویش بالا برده و از سوی دیگر بازتاب شورش و اعتراض آنان را گسترش داده، احتمال انتشار آن را به مراکز دیگر افزایش می‌دهد. این طرز تلقی موجب شده است تا دولت مردان برخی از کشورها همچون عربستان همواره بکوشند از تمرکز شیعیان در پایتخت‌ها و حواشی آن جلوگیری کنند. در برخی از این کشورها تجمع شیعیان را در مراکز تجاری شاهدیم. بنابراین شیعیان از موقعیت خاص تجاری و مرکزی استفاده لازم را می‌برند لذا بیشتر شهرهای شیعه نشین خلیج فارس به نوعی از موقعیت استراتژیک و مرکزی برخوردار و از این جهت حائز اهمیت هستند (فاضلی نیا، ۱۳۹۱: ۱۶۸ ، ۱۶۷). ساختار سیاسی کویت از بین کشورهای منطقه در یک چارچوب عربی خلیجی به الگوی سیاسی دموکراسی غربی نزدیک تر است. علاوه بر مجلس امت، کویت با داشتن صدھا دیوانیه (نوعی اماکن عمومی که در آن جلسات مردمی برگزار می‌شود) از زیر بنای وسیعی از نهادهای جامعه مدنی برخوردار است. از سوی دیگر انجمن‌های عام المنفعه گروه‌هایی تاثیرگذار در شکل‌گیری تصمیم‌ها سیاسی به شمار می‌آیند (فیلی روباری، ۱۳۳۵: ۱۲۳). نظام حکومتی کویت از سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه تشکیل شده است و مطابق قانون اساسی، این سه قوه از یکدیگر تفکیک شده اند اما در عمل، امیر کویت در هر سه قوه اعمال نفوذ می‌کند. وی ریاست قوه مجریه را به عهده دارد ضمن آن که در قوه مقننه و مجلس امت، نقش ریاست را ایفا می‌کند. افرون بر آن، حکم قضایی با نام وی صادر می‌شود از این رو در عمل، نوعی اختلاط قوا در نظام حکومتی کویت وجود دارد. در نظام سیاسی و حکومتی کویت، امیر، شخص اول مملکت است. امیر همچنین ریاست قوه مجریه، فرماندهی کل قوا، ریاست کشور و ریاست قوه قضایی را بر عهده دارد. وی می‌تواند در امور مجلس دخالت کند و احکام قضایی به نام وی صادر می‌شود. علاوه بر آن، حق انحلال مجلس و اعلان جنگ تدافعی را نیز دارد. (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۲۱۸ - ۲۱۷). حکومت

کویت پادشاهی و حاکم آن امیری است که توسط اعضای مذکور و بالغ خاندان سلطنتی انتخاب می‌گرددامیر؛ نخست وزیر و شورای وزیران را انتخاب می‌کند. پنج عضو مجمع ملی برای دوره ای چهار ساله با رای افرا د مذکر بالغ و باسواند تبعه کویت انتخاب می‌گردند. خانواده رای دهنده‌گان می‌باید حائز شرایط کامل اقامت باشند. هرچند در مجلس کویت هیچ حزب سیاسی وجود ندارد اما گروه بندی‌های غیر رسمی درون مجمع وجود دارند(کتاب سبز کویت، ۱۳۹۱: ۱۴۵). حکومت در کشور کویت در خاندان «الصباح» موروثی است و ولیعهد باید ظرف یک سال پس از تعیین امیر، با پیشنهاد وی و تصویب مجلس امت از میان افراد صلاحیت دار همین خاندان انتخاب شود. ولیعهد و امیر کویت همواره پسر عموم هستند بنابراین هرگاه امیر از یک خاندان باشد، ولیعهد باید از خاندان دیگر باشد. نخست وزیر و معاونان وی را امیر انتخاب می‌کند و ورای وزیران پس از معرفی از سوی نخست وزیر، به تایید امیر می‌رسند و او فرمان تشکیل کابینه را صادر می‌کند. نماینده‌گان مجلس با رای مردم و مقامات عالی قضایی از سوی امیر انتخاب می‌شوند. امیر همچنین در مقام فرمانده کل قوا، مقامات عالی نظامی را بر می‌گیرند(کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۲۱۸).

نقش موقعیت استراتژیکی خلیج فارس در گسترش فعالیت‌های شیعیان باید توجه داشت که محل تجمع شیعیان منطقه خلیج فارس از چند ناحیه قابل توجه است: ۱. به لحاظ دوری و نزدیکی به پایتخت، ۲. به لحاظ دوری و نزدیکی به مرزها، ۳. قرار گرفتن در مراکز نفتی و استراتژیک، ۴. واقع شدن در مراکز زیارتی و مهاجر پذیر، ۵. قرار گرفتن در مراکز تجاری (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۸). بطور کلی مراکز سیاسی کشورها از لحاظ تمرکز تشکیلات دولتی و سازمان‌های اداری و شرکت‌های تجاری اخلی و بین‌المللی، و نیز وجود رسانه‌های گروهی و فضای باز سیاسی و تبادل اطلاعات موقعیت مرکزی دارند لذا تمرکز شیعیان در پایتخت‌ها یا حواشی آن‌ها به عنوان عاملی تنش زا از سوی دولت‌ها تلقی شده است. این طرز تلقی باعث شده تا برخی از دولت‌ها از تمرکز شیعیان در پایتخت‌ها و حواشی آن جلوگیری کنند. با این حال بسیاری از دولت

ها و به این نتیجه رسیده اند که برای برقراری امنیت به ناچار باید از جمیعت های محلی و به ویژه شیعیان بهره برد. در عمان، عراق، بحرین، امارات، کویت و قطر شیعیان در مناطقی زندگی می کنند که از مهم ترین مراکز نفت خیز منطقه به شمار می آید (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۰ - ۱۵۹). در میان کشورهای عرب حوزه خلیج فارس مردم کویت به دلیل موقعیت استراتژیکی کشورشان از آگاهی و رشد سیاسی و سطح علمی خوبی نسبت به سایر کشورها برخوردار رند. وجود مطبوعات گوناگون، امکان اظهار عقاید مختلف و سابقه ای وجود مجلس امت که تجربه برخورد افکار مخالف و متضاد را از سر گذرانده است زمینه مناسبی جهت رشد افکار و ارتقاء سطح فکری جامعه فراهم نموده است. در این کشور احزاب سیاسی رسمی و یا غیر رسمی وجود ندارند. جمیعت های سیاسی و مذهبی تحت پوشش مسائل مذهبی و اجتماعی می توانند فعالیت های سیاسی داشته باشند. تعدادی از این دسته جات و گروه ها دارای مجلات و نشریات هفتگی یا ماهانه نیز می باشند (کتاب کویت، ۱۳۹۱: ۱۵۲ ، ۱۵۱). در این میان توزیع جمیعتی ساکنان کویت نشان می دهد که شیعیان به طور کلیخواهانقامت در مناطق و محلات شیعه نشین هستند بطوری که در این مناطق اکثریت را تشکیل می دهند. واژ معروف ترین مناطق پرترکم شیعیان تا قبل از پیدا شدن نفت منطقه شرق و بنیت القار می باشد. بعد از فعالیت هایی که دولت برای استفاده از نفت و درآمدهای حاصل از آن به عمل آورد بیشتر شیعیان به مناطق جدیدی چون؛ قادسیه، منصوریه، دعیه، دسمه، رمیثیه، سالمیه، حولی، وجابریه منتقل شدند. مشخصه این مناطق گسترش مساجد مختص شیعیان و حسینیه ها است، به طوری که تعداد مساجد شیعیان به بیش از ۲۸۰ مسجد و ۶۰ حسینیه می رسد (المدیرس، ۱۹۹۹: ۸). علیرغم این که رژیم کویت با وجود آن که میزان بالایی از آزادی های شخصی و اجتماعی را برای شیعیان فراهم می سازد اما مرزهای را نیز ترسیم می کند که دسترسی کامل شیعیان را به نهادهای حکومتی محدود سازد. جامعه کویت که سنیان بر آن غلبه دارند از این که شیعیان بیش از اندازه به ایران نزدیک اند می هراسند. از لحاظ اجتماعی نیز این نگرانی وجود دارد که ممکن است شیعیان از مرزهای خود پای فراتر نهند لذا سنی های محافظه کار و وهابی ها با نگرانی مراقب شیعیان هستند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۲۵ ، ۳۲۴). احیای تشیع

که در دهه ۱۹۶۰ بعد فعال سیاسی به خود گرفت شکلی از احیای اسلام سیاسی به صورت کلی است و با احیای اسلام سنی در برخی از مقاصد و اهداف سهیم است. لذا احیای شیعی را می توان ناشی از احساس قوی بی حرمتی و محرومیت از حق رای دانست که شیعیان به طور خاص تجربه کرده اند. اسلام گرایی شیعی بر خلاف اسلام گرایی سنی، از آغاز از مولفه قدرتمند رهبری روحانیت برخوردار بوده است. این امر نتیجه طبیعی نقش برجسته ای بود که علماء در هدایت جامعه ایفا می کرده اند. از عواملی که موجب احیای تمایلات شیعی شد می توان به موارد زیر اشاره نمود: تجدد و ایدئولوژی های غربی، شکست حکومت های عرب در مسئله فلسطین و انشقاق در جامعه که به دنبال گسترش شهرنشینی و دیوانسالاری غیر سودمند پدید آمد. احیای شیعی در زندگی جامعه شیعه با ویژگی هایی ریشه دارد از جمله: انزواج دیرین سیاسی، محدود کردن آزادی های مذهبی از سوی حکومت، تضعیف آزادی عمل و استقلال مالی نهادهای مذهبی و تبعیض اجتماعی و اقتصادی فراگیر (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۶۷). در برخی از کشورها شیعیان در تلاش بوده اند ضعف سیاسی خود را با مشارکت در اقتصاد کشور جبران کنند اما در برخی از مناطق حتی از فعالیت موثر در اقتصاد نیز عقب رانده شده اند و در مناطق روسیابی و دور افتاده به کشاورزی و دامپروری مشغول اند. (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۸). اما موقعیت شیعیان کویت نشان دهنده نمونه ای موفق و نقطه ای درخشنan در وضعیت شیعیان عرب منطقه خلیج فارس است. شیعیان کویت در قیاس دیگر جوامع شیعی منطقه خلیج فارس از رفاه بیشتری برخوردارند. آنان که ۲۵ تا ۳۰ در صد جمعیت کشور را تشکیل می دهند به ندرت با آزار و اذیت آشکار در سطوح رسمی یا اجتماعی مواجه اند. آنان در عمل به تشیع آزادند و به طور آشکار شعایر خود را برگزار می کنند و با این حال وضعیت اقتصادی و فرصت های شغلی شان از شیعیان دیگر بخش های خلیج فارس بهتر است. در کشور کویت، مشارکت اجتماعی و سیاسی شیعیان در حد بالایی است. مهم تر از همه این که شیعیان یه کشورشان احساس وابستگی کرده، خود را در آینده آن ذی نفع می دانند. (فولر، فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۰۹)



شیعیان کویت و گرایش‌های مختلف مذهبی آنان

جامعه شیعیان کویت شامل چهار گروه عمدۀ بود: سلاله عرفی ساکنان اولیه بحرین؛ مهاجرینی که از حصه واقع در عربستان شرقی به آنجا آمده بودند؛ عرب‌های شیعه که در ابتدا از عربستان به ایران مهاجرت کرده و دوباره برگشته بودند؛ و بزرگترین گروه ایرانی‌هایی که در خود ایران ریشه داشتند. گروه اخیر به زبان فارسی صحبت می‌کردند و پیوندۀای تجاری و خانوادگی شان را با ایران حفظ کرده بودند. یکی از افراد برجسته خانواده‌های کویتی ایرانی شیعه، یوسف بهبهانی بود که در دهه ۱۹۳۰ به حمل اجساد ایرانیان به عراق، از طریق کویت برای دفن در جوار عتبات عالیات اشتغال داشت. (کریستال، ۱۳۷۷: ۶۹).

شیعیان در کویت به چهار مدرسه مذهبی تقسیم می‌شوند:

۱- شیخیه: نسبتش به شیخ احمد بن زید الدین احسانی می‌رسد که دیدگاه مقدسی در مورد اهل بیت دارد، آن‌ها معتقدند که خدا اهل بیت را مورد فیض قرار داده و به آن‌ها اجازه داده که روزی مردم را توزیع کنند، اما آن‌این اعتقاد دیگر رایج نیست، وهم اکنون به آن‌ها در کویت به اعتبار میرزا حسن احقاقی، جماعت میرزا اطلاق می‌شود، که او ملیت کویتی دارد و امامشان می‌باشد و مرکز تجمع شان مسجد امام صادق در مرکز پایتحت است. و بیشترین مقلدان شیعه آن‌ها کسانی هستند که که از احساء به کویت مهاجرت کرده‌اند، و معروف ترین خانواده‌های این جماعت؛ اریش، خریط، الشواف، والوزان هستند. جماعت میرزا و رهبری مذهبی آن به دلیل اتخاذ مواضع بی‌طرفانه در قبال رویداد‌های سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی مورد انتقاد دیگر مدارس شیعیه کویت قرار گرفته است.

۲- اخباریه: و آن‌ها بحرینی واژ مقلدان میرزا ابراهیم جمال الدین هستند که پیشوای شیعیان بحرینی به شمار می‌رورد. مهم ترین خانواده‌های وابسته به این جماعت خانواده‌های؛ قلاف، خیاط، مکی، جمعه، حاجی حامد می‌باشند.

۳- اصولیه: این مکتب معتقد است که حدیث نبوی باید موضوع مطالعه و بررسی باشد و نباید برآن ایراد و اشکال گرفت، این مکتب علاوه بر شیعیان کویت در بین شیعیان عراق، ایران و لبنان نیز رواج دارد.

۴- خوئیه: که بقیه شیعیان کویتی ایرانی تبار را شامل می‌شود، و آن‌ها از مجتهد سید ابوالحسن خوئی که در نجف زندگی می‌کرد تقليد می‌کنند، مساجد زین العابدین، مقامات، ونقی از مرکز تجمع این گروه در کویت به شمار می‌رود. مهم ترین خانواده‌های منتبه به این جماعت خانواده‌های؛ موسوی، قبازر، دشتی، اشکانی، بهمن، بهبهانی، و معرفی هستند. (المدیرس، ۱۹۹۹: ۸-۷).

فعالیت‌های سیاسی شیعیان کویت و احزاب شیعی

علل گوناگونی شیعیان کویت را به فعالیت سیاسی و اداشت از جمله: بروز انقلاب ایران که الهام بخش و حامی حرکت سیاسی شیعیان در همه نقاط جهان بود، قلع و قمع حزب حزب الدعوه عراق که فرار بسیاری از اعضای آن به کویت را در پی آورد، پیدایش جنبش‌های اسلام گرای امل و حزب الله در لبنان، و بالاتر از همه حمایت شدید حکومت کویت از عراق طی جنگ ایران و عراق، نقشی که شیعیان کویت طی جنگ خلیج فارس در مقابل صدام ایفا کردند تغییر شگرفی در وضعیت آنان پدید آورد و به پذیرش مجدد و بازگشت آنان به درون جامعه کویت - و از جمله نظام سیاسی- انجامید. در زمان حمله عراق به کویت بسیاری از سنیان ثروتمند کویت برای گذراندن تعطیلات در حاج از کشور به سر می‌بردند لذا در این زمان تعادل جمعیتی کشور به نفع شیعیان به هم خورد و شیعیان در مقابل هجوم قوای عراق به شدت ایستادگی کرده و بسیاری از شیعیان به دست قوای اشغالگر عراقی کشته شدند یا به زندان افتادند. در این میان ابراز میهن دوستی شیعیان دو نتیجه در بر داشت: ۱. تردید سنیان را درباره وفاداری شیعیان به کویت کاهش داد. ۲. میان جوامع سنی و شیعی همبستگی برقرار ساخت. در واقع تجربه دشوار و مشترک اشغال کویت از سوی عراق، چنان احساس ملت گرایی را در میان کویتی‌ها قوت بخشدید که امروزه نظیر آن را کمتر در کشورهای عربی می‌توان

یافت. بازتاب این اتحاد ملی آن بود که بلافصله پس از جنگ خلیج فارس، شیعه و سنتی مشترکاً خواستار احیای قانون اساسی و مجلس ملی شدند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۱۰). به دلیل ساختار دموکراتیک کویت، شیعیان با سازماندهی فعالیت‌های سیاسی خود و تشکیل احزاب در ساختار سیاسی کشور نقش آفرینی می‌کنند (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۳). جنبش‌های شیعیان کویت، مرکب از عرب زبان‌ها و ایرانیان مقیم این کشور هستند که تفاوت‌های نژادی و گرایش‌های سیاسی مختلف باعث اختلافاتی میان آن‌ها شده بود اما پس از انتخابات دهمین دوره مجلس ملی، به وحدت نسبی رسیدند (حیدری، ۱۳۸۳: ش ۱۵۲). مهمترین تشکیلات شیعیان در کویت عبارتند از:
۱. حزب الدعوه: تشکیلات حزب الدعوه متاثر از مرکزیت این حزب در عراق بود. از آنجا که طبق قانون اساسی کویت، وجود احزاب در این کشور مشروعیت ندارد، این مجموعه به صورت غیر علنی و در قالب فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی محدود به کار خود ادامه داد. تشکیلات این حزب مستقل از مرکزیت آن در عراق فعالیت می‌کرد.
۲. انجمن دانشجویان شیعه: دانشجویان شیعه دانشگاه کویت در رقبابت با سایر گروه‌های سیاسی فعال در دانشگاه در انتخابات انجمن دانشجویی در دهه هفتاد اقدام به تشکیل گروه خاصی نمودند که اعضای این گروه با توجه به زمینه‌های قوی مذهبی، بعد از پیروزی انقلاب به پیروی خط امام روی آوردند. با ایجاد شکاف در میان شیعیان و با تشدید فعالیت جماعت شیرازی در میان شیعیان و تشدید فعالیت این جماعت در دانشگاه، گروه مذبور به دو قسمت به نام‌های قائم‌الاسلامیه الحره (خط امام) و قائم‌الحره (جماعت شیرازی) تقسیم شده و اختلاف فيما بین موجب تنزل شیعیان به رده‌های آخر جدول در انتخابات انجمن دانشجویان دانشگاه کویت گردید.
۳. جمعیه الثقافیه الاجتماعیه: در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان پیرو خط امام که در فعالیت‌های سیاسی، از سوی دولت تحت فشار بودند اقدام به تشکیل انجمن فرهنگی - اجتماعی تحت عنوان جمعیه الثقافیه الاجتماعیه نمودند که در قالب آن به جذب جوانان و فعالیت‌های عقیدتی - سیاسی مبادرت می‌شد. تحرکات این گروه در سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶ به اوج خود رسید. در سال ۱۳۶۶ با دستگیری گروهی از شیعیان وابسته به این گروه، شورای اداری آن منحل و دولت گروه جدیدی را که وابسته به دولت بودند به

عنوان اعضاء شورا تعیین و عملاین انجمن تعطیل شد.^۴ ائتلاف اسلامی الوطنی: این گروه در سال ۱۳۷۰ بعد از آزادی کویت با ائتلاف جناح های مختلف شیعه تشکیل گردید. هدف از تشکل این گروه سازماندهی فعالیت های سیاسی شیعیان در انتخابات سال ۱۹۹۲ میلادی(۱۳۷۳) مجلس الامه بود. این ائتلاف با توجه به جو موجود و روحیه همکاری ناشی از صدمات جنگ توانست از وحدت نسبی بهره برداری و ۵ نفر از شیعیان را بعنوان نماینده وارد مجلس هفتم نماید. این ائتلاف پس از انتخابات به علت اوجگیری اختلافات شیعیان عملاین انجمن پاشید و اکنون وجود خارجی ندارد(سیفی، ۱۳۸۶: ۷۵).^{۷۴}

اوضاع مذهبی و اقتصادی شیعیان کویت

از لحاظ قانونی، قانون اساسی کویت برطبق آنچه که به اسم آزادی ادیان تدوین شده به شیعیان حق انجام آزادانه مناسک و مراسم های مذهبی را می دهد. دولت از انجام فعالیت های مذهبی که براساس عادت های مرسوم باشد و نظم عمومی را بر هم نزنند و مخالف با عرف جامعه نباشد حمایت می کند(ناصر ، ۲۰۱۱ : ۱۵۸). مهمترین پدیده های مشتبی که می توان در این رابطه به آن ها اشاره کرد شامل:

* شیعیان کویتی در مورد مسائل و امور شخصی مانند شیعیان بحرینی به دادگاه های اولیه شیعه جعفری و استیناف مراجعه می کنند، همچنین در سال ۲۰۰۳ دولت موافقت کرد که شیعیان در مسائلی مانند آن به دادگاه های عالی جعفری مراجعه کنند.

* شیعیان در کویت به طور آزادانه مراسم مذهبی خود را انجام می دهند، و در ساخت و برقایی مساجد و حسینه ها حتی در محله های سنی نشین از آزادی برخوردارند و به همین دلیل تعداد مساجد شیعیان در کویت به ۵۶ مسجد می رسد به اضافه ۱۱۶ حسینیه، گرچه طبق منابع دیگر تعداد مساجد شیعیان در کویت ۳۵ یا ۳۸ مسجد می باشد، و به طور کلی نمی توان تعداد مساجد شیعیان کویت را به طور دقیق معین کرد چرا که تعداد آن ها با توجه به زمان تغییر می کند.



* برخی از افراد خانواده حکومتی کویت بسیار علاقمند به زیارت حسینیه ها در مناسبت های شیعیان ویژه در روز عاشورا هستند.

* بعد از این که دسته های عزاداری حسینی در کویت ممنوع شد در سال ۲۰۰۶ حکومت با برپایی دسته عزاداری در رمیشیه موافقت کرد و حمایت امنیتی از آن به عمل آورد و در سال ۲۰۰۳ حکومت کویت هیئتی برای اداره اوقاف جعفری و نظارت بر آن تاسیس کرد (ناصر، ۱۵۹: ۲۰۱۱).

از جهت مذهبی دولت آزادی ساخت مساجد و حسینیه ها حتی در مناطق و محله های سنی نشین را تضمین کرد ، همچنین شیعیان برای جذب روحانیان و علماء از قم و نجف به جز در زمان جنگ ایران و عراق ممنوعیتی نداشتند برخلاف وضعیت شیعیان در برخی کشورهای مجاور که شیعیان از نبود آزادی برای انجام امور مذهبی خود رنج می برند. (المدیرس ، ۱۹۹۹ : ۱۰). شیعیان کویتی به لحاظ برخورداری از آزادی مذهبی در میان شیعیان بحرینی و شیعیان عربستان سعودی در جایگاه وسط قرار دارند، آن ها از این لحاظ نسبت به شیعیان عربستانی اول و در نسبت با شیعیان بحرینی در جایگاه دوم قرار دارند.(ناصر ، ۲۰۱۱ : ۱۵۹). حسینیه برای شیعیان کویت اهمیت وارزش زیادی دارد چرا که این مکان شبیه یک باشگاه اجتماعی، مدرسه و کتابخانه است که از آن برای احیای مناسبت های مذهبی مثل خاطره روز عاشورا در ماه محرم استفاده می شود، همچنین حسینیه نقش مهمی در جنبش های سیاسی مثل آنچه که در سال ۱۹۳۸ در کویت اتفاق افتاد و شیعیان اجتماعات اعتراض آمیزی را علیه مجلس قانون گذاری در داخل حسینیه برگزار کردند. همچنین حسینیه نقش مهمی در اجتماع شیعیان در سازمان های سیاسی دارد، همانگونه که از آغاز دهه ۵۰ در بین اتفاق افتاد و حسینیه به عنوان مرکز آغاز حرکت راه پیمایی و تحریک بسیج مخالفان سیاسی در برابر حکومت بود. (المدیرس ، ۱۹۹۹ : ۹). اما از بعد اقتصادی باید اذعان کرد که برخی از خانواده های شیعه از بزرگترین تاجران در زمینه اقتصادی و تجاری کویت شدند. از مهم ترین این خانواده ها: وزان، بهبهانی، دشتی، معرفی هستند. علاوه بر این شیعیان از تعلیم و آموزش در توسعه و بهبود اوضاع اجتماعی خود استفاده کرده اند. به گونه ای که دولت مرکز آموزش مجاني را تاسیس کرده که شیعه و سنتی به طور مساوی

از آن بهره می برند(ناصر ، ۲۰۱۱ : ۱۵۱). وضع اقتصادی نقش مهمی در از بین بردن شکاف میان شیعیان واهل سنت از جهت اجتماعی و فرهنگی داشت که شیعیان از توزیع ثروت نفتی استفاده کردند. در آغاز دهه ۵۰ کویت شاهد بهره برداری های کلان نفتی بود که بعدها بسطح اقتصادی شهر و ندان کویتی کمک کرد، امری که زمینه را برای شیعیان فراهم کرد تا در امور اقتصادی فعالیت کنند، به طوری که بعضی خانواده های شیعه از بزرگترین طبقات تجاری کویت شدند، همچنین تحولات اقتصادی و اجتماعی که در آن زمان کویت شاهد آن بود به شیعیان فرصت داد که پست های مهم مدیریتی را در دولت عهده دار شوند و همچنین به توسعه و گسترش آموزش در کویت کمک کرد، امری که شیعیان واهل سنت به طوریکسان از آن استفاده کردند و دولت آموزش رایگان را در تمام مقاطع تحصیلی از جمله تحصیلات عالیه فراهم کرد که به توسعه وضعیت اجتماعی و علمی کمک کرد (المدیرس ، ۱۹۹۹ : ۹).

شیعیان و تجربه پارلمانی

ورود شیعیان به نخستین مجلس قانونگذاری کویت که در سال ۱۹۳۸ شکل گرفت ممنوع بود اما این ممنوعیت در ۱۹۶۲ و در پی استقلال کویت برداشته شد. در دوران حکومت جمال عبدالناصر بر مصر در دهه ۱۹۶۰ و رواج نوع انقلابی و ناصری ملیت گرایی عربی؛ تجار عجم بار دیگر برای کاستن از تاثیر ناصریسم که در حال گسترش به سوی کویت بود، از رژیم حمایت کردند. در واقع حمایت های پی در پی شیعیان از رژیم، خشم و غصب سنیان کویت (به ویژه لیبرال ها و چپ گراها) را که گاه به مقابله با قدرت خاندان الصباح یا سیاست های آن برmi خواستند برانگیخته است. به نوعی عملکرد مبارزه جویانه شیعیان کویت در دوران جنگ ایران و عراق جدی ترین تنش ها را بین جامعه شیعی و حکومت پدید آورد (فولر و فرانکه ، ۱۳۸۴ : ۳۲۰). در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۲ که بنا بر اکثر گزارش ها انتخاباتی آزاد و عادلانه بود، سه عضو شیعه برگزیده شدند. در ۱۹۹۶، پنج عضو شیعی به کرسی های پارلمان دست یافتند از جمله (برای نخستین بار) یک روحانی شیعه، دو اسلام گرای دیگر و دو شیعه غیر اسلام



گرایی برخلاف انتخابات ۱۹۹۶، رقابت‌های سال ۱۹۹۲ حساسیت‌های فرقه‌ای و نگرانی سنیان را درباره نامزدی اسلام گرایان شیعه که به ایران بسیار نزدیک قلمداد می‌شد برانگیختند. به ویژه پیروزی انتخاباتی سید حسین القلاف، روحانی شیعه‌ای که در قم تحصیل کرده است در مقابل یک شیعه سکولار و یک کاندیدای سنی، موجب شد سنی‌ها درباره بروز رقابت فرقه‌ای در کویت نگران شوند. به رغم برخی اختلافات فرقه‌ای که در زمان مبارزات انتخاباتی بروز کردند، تمامی شواهد حاکی از آن اند که رژیم، مردم و دیگر اعضای مجلس ملی، نمایندگان شیعه را در حیات سیاسی کویت سهیم می‌دانند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۲۵). در انتخابات پارلمانی ۱۵ تیرماه ۱۳۸۲، شیعیان توانستند پنج نماینده به مجلس بفرستند. جریان‌های شیعه، پنج نماینده به مجلس پنجاه نفری کویت فرستادند که کسب پنج کرسی از پنجاه کرسی پارلمان از سوی شیعیان، پیروزی سیاسی بزرگی در تاریخ حیات سیاسی کویت محسوب می‌شد و این، نگرانی مقام‌های کویتی را به دنبال داشت و این پیروزی که نتیجه نزدیکی و اتخاذ وحدت رویه جریان‌های شیعه در این کشور بود، مقام‌های کویتی را بر آن داشت تا تبلیغات از پیش برنامه ریزی شده ادعای دخالت ایران در امور داخلی آن کشور را مطرح کنند و مدعی شوند که ایران با تلاش در ایجاد وحدت میان جریان‌های شیعه، در صدد اخلال در امور جاری کویت است (حیدری، ۱۳۸۳: ۱۱). نمایندگان شیعه در کویت با تمام وجود به فعالیت‌های پارلمانی مشغول اند و مجلس ملی محل مناسبی بوده برای ایجاد پیوند میان منتخبان در موضوعات عینی مختلف، بدون توجه به اختلافات ایدئولوژیک بالقوه آن‌ها. لذا جمعیت شیعی کویت برای برقراری تعادل بین امور سعی در : کاستن از تردیدهای نهان حکومت و سنیان درباره وفاداری آنان، به دست آوردن رضایت خاطر خاندان الصباح و بهبود روابط خود با سنیان را دارد. در جریان بحث درباره اتخاذ شریعت اسلامی به منزله قانون اساسی کویت، اسلام گرایان شیعه با اسلام گرایان میانه رو سنی متحده شدند؛ هر چند در خصوص حق رای زنان که مورد قبول شیعیان است با سنیان اختلاف نظر داشتند. اسلام گرایان شیعه و سنی هر دو به طرح جداسازی زن و مرد در تحصیلات دانشگاهی رای مثبت دادند هرچند این طرح به تصویب نشد. همکاری میان فرقه‌ها هر چند به صورت محدود و تاکتیکی، نشان دهنده آن است

که اوضاع سیاسی کویت احتمالاً به سمت اشکال مدرن همکاری پیش می‌رود که بر موضوعات سیاسی و منافع شخصی مبتنی آند و نه وفاداری‌های قومی و مذهبی. فراکسیون‌های اسلام‌گرا و لیبرال در مجلس ملی، هم عضو شیعه دارند و هم سنی و آشکارا مبنایی ایدئولوژیک دارند. تضعیف وفاداری‌های قبیله‌ای و مذهبی و جایگزینی آن‌ها با نگرش‌های معطوف به مسائل روزمره خطوط تمایز فرقه‌ای را کم رنگ ساخته، به سود شیعیان خواهد بود و نیز گفتگو میان شیعیان و سینیان را گسترش می‌دهد (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۲۶-۳۲۷). در حال حاضر شیعیان کویت سه وزیر، نه کرسی نمایندگی مجلس (از ۵۰ کرسی) و چند منصب حکومتی دیگر را در دست دارند و رابط آن‌ها با حکومت خوب است (کتاب کویت، ۱۳۹۰: ۳۴).

گروه‌های شیعی سازمان یافته در کویت

۱- انجمن فرهنگی اجتماعی

در سال ۱۹۶۳ اولین سازمان مذهبی شیعه به صورت علنی در کویت ظاهرشد و شیعیان از فضای دموکراتی موجود که شیخ عبدالله سالم الصباح آن را اتخاذ کرده بود استفاده کردند، شیخ سالم الصباح ارسال ۱۹۵۰ سیاست لیبرالی را دنبال کرد که به نیروهای سیاسی و اجتماعی اجازه می‌داد به بیان دیدگاه‌های خود از طریق اجتماعات و روابط مردمی پردازند. شیخ عبدالله سالم این روند را در دوران پس از استقلال کویت از بریتانیا در سال ۱۹۶۱ تقویت کرد، و انجمن فرهنگی اجتماعی که در دوران استقلال شکل گرفت و شامل گروه‌های شیعیه مختلف می‌شد به عنوان هیئتی شبه سیاسی به شمار می‌رود و شیعیان آن را به عنوان یک رابط اجتماعی و مذهبی به کاربردند، علی‌رغم این که این انجمن به عنوان هیئت‌خیریه ثبت شده بود، مانند انجمن‌های عام المنفعه دیگر از قبیل انجمن اصلاحات اجتماعی، باشگاه استقلال فرهنگی و انجمن احیای میراث اسلامی که تحت عنوان انجمن‌های خیریه و فرهنگی تأسیس شده بودند اما در واقع به مثابه واسطه‌های مذهبی و اجتماعی برای انجمن‌ها و فعالیت‌های سیاسی بود. اهداف انجمن فرهنگی اجتماعی نام بردۀ عبارت است؛ بالابردن و گسترش آگاهی فرهنگی،



اجتماعی، آموزشی و تربیتی، و راهنمایی دینی. تعداد اعضای انجمن فرهنگی اجتماعی تا سال ۱۹۸۵، به ۹۰۰ عضو فعال رسید. از زمان تاسیس "انجمن فرهنگی اجتماعی" در اوائل دهه شصت فعالیت این انجمن محدود شد به تقاضای ساخت مساجد و حسینه‌های شیعه بیشتر، و اعضای جمعیت در هیچ نوع فعالیت سیاسی شرکت نکردند همچنین در امضای هیچ بیانه سیاسی مرتبط با اوضاع محلی و ملی شرکت نکردند و موضع آنها موضع تمماشگر بود. (المدیرس، ۱۹۹۹: ۱۶ - ۱۵).

۲- جماعت شیرازی:

این جماعت به تبرک از اسم بنیان گذار آن سید محمد شیرازی، "جماعت شیرازی" نام گرفت که پس از تبعید از عراق به کویت در دهه هفتاد میلادی فعالیت خودش را شروع کرد. شیرازی به عنوان پدر معنوی سازمان کار اسلامی در عراق به شمار می‌رود. جریان شیرازی یک جریان عاطفی به شمار می‌رود و اکثر مقلدان آن از اعضای مؤسس انجمن فرهنگی اجتماعی هستند که پس از انقلاب اسلامی ایران از انجمن بیرون آمدند و به جماعت شیرازی پیوستند. شیرازی به عنوان عنصر فعال به شمار می‌آید که توانست بعضی از عناصر فعال شیعه را از طریق مسجد شیرازی در منطقه بنید القار و حسینیه رسول اعظم در منطقه دعیه سازمان دهی کند و این که این جماعت به مثابه مراکز تجمع و جذب محسوب می‌شود. جماعت شیرازی از شیوه فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی برای جذب جوانان شیعه به صفوں خود استفاده کردند که در این امر موفق شدند. اختلافات میان جماعت شیرازی و جریان انجمن فرهنگی اجتماعی به عرصه دانشگاهی کویت وارد شد، امری که موجب تقسیم دانشجویان به طرفداران و مخالفان این دو گروه و جماعت شد، و به همین دلیل دو دسته دانشجویی شکل گرفت که گروه‌های دانشجویی شیعه را تشکیل می‌داد: "دسته آزاد اسلامی" که بیشتر پیروان آن از جماعت انجمن فرهنگی اجتماعی بودند و "دسته آزاد" که شامل دانشجویان شیعه حامی جماعت شیرازی بود.

جماعت شیرازی نتوانست شیعیان کویت را تحت کنترل خود در بیاورد و این امر بنا به دلایل زیر بود:

- ۱- تمرکز جماعت شیرازی بر اختلافات خودشان با جماعت انجمان فرهنگی اجتماعی که این مسئله منجر به دوستگی و اختلاف و تبادل اتهامات میان دو گروه شد.
- ۲- پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف به دلیل توسعه آبادانی و شهرنشینی، بویژه در منطقه بنید القار که بیشتر ساکنان آن از شیعیان پیرو جماعت شیرازی بودند.
- ۳- اختلافاتی که میان آن ها و جماعت سید خوئی در باره مسئله اعلمیت، اجتهاد و وحدت مرجعیت دینی وجود آمد.
- ۴- اخراج بنیان گزار جماعت سید محمد شیرازی از کویت در اوائل دهه هشتاد هنگامی که مقامات امنیتی بعد از ترور برادرش حسن شیرازی در لبنان از وی خواستند کویت را ترک کند (المدیرس، ۱۹۹۹: ۱۸-۱۷).

تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش های شیعیان کویت

جنبشهای شیعی که نوع خاصی از جنبش های اسلامی به شمار می آیند از جمله فraigیرترین و موثرترین حرکت های مردمی هستند که در راستای احیا و استقرار اندیشه های تشیع و مبارزه با حکومت های فاسد زمان که آنان را غاصب حاکمیت اسلامی می دانند به پا خواسته اند و محرومیت های اقتصادی و سیاسی که بر شیعیان اعمال شده، عاملی مهم در تسريع این حرکت ها به حساب می آید (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۸). همچویی جغرافیایی، قرب تاریخی و دینی ایران با کشورهای عربی از علل کلی تاثیرگذاری ایران بر دیگر کشورهاست. در تعامل انقلاب اسلامی با کشورهای عربی جریانات ذیل نقش مانع یا تشدید کننده را ایفا کرده اند:

- ۱- مساله قدس و فلسطین
- ۲- منازعاً اعراب و اسرائیل
- ۳- شیعه - سنی و عربی - عجمی بودن مسائل
- ۴- برتری جویی اعراب به لحاظ خاستگاه تاریخی و جغرافیایی اسلامی
- ۵- مرکز بودن عربستان برای بعثت و مکه و مدینه
- ۶- موقعیت استراتژیک خاورمیانه عربی و حضور و رقابت جدی قدرت های بزرگ
- ۷- مقوله نفت
- ۸- رقابت دیر پای مذهبی، سیاسی و نفتی ایران، عراق و عربستان

(حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۷۱) از اوایل پیروزی انقلاب اسلامی کسانی بودند که عنوان می کردند: «ما انقلاب را صادر نمی کنیم» و یا «انقلاب صادر کردندی

نیست» اما امام فرمودند: «ما انقلابمان را به همه جهان صادر می کنیم». (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۳۰). به طور کلی عواملی وجود داشت که موجب صدور انقلاب اسلامی می شد از آن جمله می توان به: نفت، حج و حمله عراق اشاره نمود. (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۳۵- ۳۴). لذا انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه عطفی در شکل کیری رابطه میان شیعیان و حکومت در کویت بوده و شاید از موارد مهمی که می توان در این زمینه به آن اشاره کردد تشکیل هیئتی از روحانیان و رهبران شیعه است، این هیئت در حالی برای تبریک به امام خمینی عازم تهران شد که رهبران سنی از این هیئت کنار گذاشته شدند با وجود اینکه مواضع آنها در تایید و حمایت از انقلاب بود. (یاسین، بی تا: ۶۲۲). با استقرار انقلاب اسلامی ایران به رهبری آیت الله خمینی این انقلاب شروع به رهبری مراکز شیعه در جهان عرب و تثبیت یک روحیه انقلابی و دشمنی با رژیم های محافظه کار و مذهب رسمی را نمود. این امر در تجمعات شیعیان در شبه جزیره عربستان و خلیج فارس انکلاس یافت، در کویت شیعیان به دو جریان تقسیم شدند: جریان محافظه کار که شامل طبقات مرتفع از تجار می شد و از طریق منافع مشترک با حکومت مرتبط بود، وهدف این جریان ایجاد برخی اصلاحات اجتماعی برای بهبود وضع مذهبی - اجتماعی در جامعه کویت بود. و جریان شیعه انقلابی که با عضویت جوانان شیعه و بخصوص از کسانی که از طبقات و گروه های پایین و متواتر جامعه بودند تشکیل شد، این جریان خواهان سرنگونی رژیم محافظه کار و تبدیل آن به رژیم جمهوری اسلامی از طریق الگوبرداری از رژیم ایران بود (المدیرس، ۱۹۹۹: ۲۲).

قدر مسلم اگرچه شیعیان کویت مانند همتایان خود در عربستان سعودی و بحرین در حاشیه و انزوا نبودند و تحت آزار و اذیت قرار نگرفته بودند اما جذب رویکردهای انقلاب اسلامی ایران شدند و تحت تاثیر آن قرار گرفتند و این مسئله دو علت دارد:

- ۱- عامل اول این است که نسبت عربی شیعیان کویت بر اساس غلبه اصالت ایرانی بر آن مورد شک و تردید جریان ملی گرای عرب بود، به همین دلیل آن پیروزی انقلاب اسلامی ایران را به منزله ضربه ای بر جریان ملی گرا که بعد از شکست ۱۹۶۷ وضعیت وخیمی داشت دانستند.

۲- عامل دوم موضع حکومت کویت درباره انقلاب اسلامی ایران بود که بر ضد آن ایستاد و بعد از آن با تمام قوا از عراق در جنگ با ایران حمایت کرد.(ناصر ، ۲۰۱۱ : ۲۱۳). نتیجتاً باید گفت: انقلاب اسلامی ایران روحیه انقلابی را در میان شیعیان کویتی انتشار داد به خصوص درین قشر جوان و ترギب آن‌ها به شرکت در تظاهراتی که از خانه سید عباس مهری نماینده معنوی آیت الله خمینی در کویت به سمت سفارت ایران آغاز شد و در آن پرچم شاهنشاهی از ساختمان سفارت پایین کشیده شد و پرچم دیگری که روی آن عبارت الله اکبر نوشته شده بود برافراشته شد. این تظاهرات اولین حرکت مردمی به شمار می‌رود که خواستار رهبری دینی شیعیان در کویت از سال ۱۹۳۸ بود و این حرکت سیاسی نشان دهنده یک نوع جهش کیفی برای شیعیان بود بویژه اینکه این تظاهرات منجر به درگیری شیعیان و نیروهای ویژه امنیتی شد که تلاش می‌کردند مانع تظاهرات بشوند و تعدادی از شرکت کنندگان در آن را دستگیرنمایند. پس از سقوط رژیم شاهنشاهی، سید عباس مهری سرپرستی هیئت مردمی که شامل تعدادی از رهبران انجمن فرهنگی اجتماعی و برخی از روزنامه نگاران به منظور دیدار از ایران می‌شد را بر عهده داشت، این هیئت تبریک و حمایت خودش را نسبت به انقلاب اسلامی ایران ابراز کرد و با آیت الله خمینی رهبر انقلاب در تهران دیدار کرد (المدیرس، ۱۹۹۹ : ۲۲). جریان‌های شیعی کویت را می‌توان امتداد جریان‌های شیعی ایران، عراق و عربستان و گاه لبنان دانست. در سال‌های اخیر، همگرایی‌های گروه‌های شیعی داخل کویت بیشتر از واگرایی‌های آنان بوده است(کتاب کویت ، ۱۳۹۰ : ۳۵)

۴

جنگ عراق و کویت و نقش ملی شیعیان

عراق چندین مرتبه در صدد ضمیمه کردن کویت به خاک خود برآمده است. حتی یک بار در ۱۸۰۳، آن را به اشغال خود درآورد. عربستان سعودی نیز دو بار در جریان جنگ جهانی اول و دوم در صدد تصرف کویت برآمد اما با مخالفت بریتانیا روبه رو شد. مرزهای کویت و عربستان سعودی تا ۱۹۲۲ نامعلوم بود و این امر موجب درگیری‌های شدیدی بین قبیله‌های متخاصم بر سر حقوق چراغ‌های واقع میان دو کشور شده بود. (مذاکرات

دو کشوریه انعقد قرارداد عقیر در سال ۱۹۲۲ انجامید). به موجب این معاهده مرزهای دو کشور تعیین و یک «منطقه بی طرف» نیز به وسعت ۲۲۰۰ مایل مربع (۵۶۹۸ کیلومتر مربع) ایجاد شد. منطقه بی طرف به خاطر دسترسی آزادانه قبیله های دو کشور به منابع آب و چراگاه های این منطقه به وجود آمد. اما بعدها به علت کشف نفت بر اهمیت آن افروده شد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۱۸۷). سرانجام در سال ۱۹۶۵، موافقت نامه ۱۹۲۲ لغو و این منطقه بین دو کشور تقسیم شد (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۱۹). در این میان انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه عطفی در رابطه شیعیان کویت با حکومت ازیک طرف و رابطه آن ها با جامعه سنی از طرف دیگر بود. اشغال کویت توسط عراق در سال ۱۹۹۰ نقطه عطف مهمی در این رابطه بود؛ و با توجه به این که شیعیان کویت توانایی مالی کمتری داشتند و توجهشان به غرب نیز کمتر بود، به همین دلیل آن ها در حدود نیمی از جمعیت کویت را در هنگام حمله تشکیل می دادند که در فصل تابستان اتفاق افتاد، یعنی در زمانی که معمولاً کویتی ها ازدست گرما به خارج از کشور فرار می کنند و به همین سبب نقش آن ها در مقاومت در برابر تهاجم عراق که تعداد زیادی از آنان در این مقاومت کشته شدند زیاد بود، هنگامی که آنان میهن دوستی زیادی را در دفاع از کشورشان در برابر اشغال نشان دادند در حالی که هنوز به آن ها وادغام مجددشان در جامعه با دیده شک و تردید نگریسته می شد و به همین دلیل شیعیان دوباره به وضعیت سابقشان که قبل از سال ۱۹۷۹ در آن قرار داشتند برگشتند. و شاید آنچه که باعث تقویت رابطه شیعیان ورزیم کویت در این دوران شد این است که روابط کویت و ایران تحت موضع گیری ایران در مخالفت و انتقاد از حمله عراق به کویت، رحلت امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران و رئیس جمهور شدن هاشمی رفسنجانی که اهمیت زیادی را به رابطه با کشورهای همسایه ایران می داد، و تجدید نظر در صدور انقلاب اسلامی به عنوان اولویت برنامه های ایران، صدور انقلاب اسلامی به عنوان این که یکی از اهداف گستره سیاست خارجی ایران از زمان انقلاب بود، به طور کامل کنار گذاشته نشد (ناصر، ۲۰۱۱ - ۲۱۸) لذا در زمان اشغال کویت به دست قوای عراقی، شخصیت های برجسته شیعه و سنی برای چانه زنی با خاندان حاکم الصباح، که در آن زمان به عربستان سعودی پناه برده بودند، با یکدیگر متحد شدند و درباره احیای

قانون اساسی و پارلمان، پس از آزادسازی کویت به مذاکره پرداختند (فول، فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۱). با وجود نقش مهمی که شیعیان در مقابل اشغال کویت توسط عراق ایفا کردند اما عده ای هستند که این اقدام شیعیان را به روحیه وطن دوستی آن‌ها مرتبط نمی‌دانند بلکه سعی می‌کنند که موضع آن‌ها را از جهت فرقه ای تفسیر کنند که صدام حسین و رژیم او دشمن مشترک کویت و شیعیان بود و به علاوه دشمنی او با ایران که حوزه علمیه قم در آن واقع شده بود دلیل ایقای نقش شیعیان کویت در زمان اشغال کویت توسط عراق بود(ناصر، ۲۰۱۱: ۲۱۹) عواملی که منجر شد شیعیان کویت در مقابل صدام حسین بایستند و نیز موضع گیری شیعیان علاوه بر رابطه حکومت با آن‌ها، بعد‌ها در نقش و موقعیت آن‌ها در جامعه تاثیر گذاشت که می‌توان آن‌ها را در ذیل بیان کرد:

* نزدیکی و همگرایی که بعد از آزادی کویت بین شیعه و سنی بوجود آمد، خود را از طریق بسیاری از جنبه‌های هماهنگی بین آنها به منظور ایجاد یک چشم انداز واحد برای آینده کویت نشان داده است، بطوری که اتحاد ملی اسلامی شیعه که بعد از آزادی کویت تشکیل شد و بسیاری از نیروهای نیروهای سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی شیعه را دربرمی‌گرفت در سال ۱۹۹۱ با نیروهای سیاسی دیگر در کمیته دائم برای رهبری اقدامات مردمی به منظور تدوین چشم اندازی برای ساختن کویت شرکت کردند که این کمیته چشم انداز این نیروها را برای آینده سیاسی کویت پس از پایان دوره اشغال معین کرد(ناصر، ۲۰۱۱: ۲۱۹).

* در چارچوب تحول سیاسی که بعد از حمله عراق به کویت ایجاد شد، طرفداران شیعه دولت کاهش یافته‌ند در حالی که جریان مورد حمایت ائتلاف ملی اسلامی و یکپارچه در جنبش سیاسی عمومی که پس از اشغال خواستار اصلاحات سیاسی بود شکل گرفت و این مسئله به وضوح در انتخابات شورای ملی در اکتوبر ۱۹۹۲ خود را نشان داد، به طوری که ائتلاف ملی اسلامی با چهل نامزد در این انتخابات شرکت کرد و از برخی نامزدهای دیگر حمایت کرد، که دو تن از نامزدهای این جریان و دو تن از نامزدهای مورد حمایت آن به پیروزی رسیدند، در حالی که تمامی نامزدهای شیعه طرفدار دولت در رسیدن به کرسی‌های مجلس شکست خوردند (المدیرس، ۱۹۹۹: ۴۳).

* در این مرحله شیعیان مانند دیگر تجمعات سیاسی شیوه مسالمت آمیزی را در قبال حکومت در پیش گرفتند و این امردر چارچوب احساس یک وضعیت دشوار بود که کشور پس از آزادسازی آن را تجربه کرده بود و همچنین احتیاط و اجتناب از اختلافات و هر گونه مسئله سیاسی که ممکن بود مانع روند بازسازی و سازندگی کویت شود، اما برخی دلیل این شیوه برخورد مسالمت آمیز شیعیان با حکومت را به نقش داشتن آن ها در مجلس و دولت، مدیریت پروژه های اقتصادی کلان، سطح بالای زندگی و معیشت آن ها در مقایسه با وضعیت شیعیان در کشورهای مجاور به ویژه در بحرین و عربستان سعودی می دانند. با وجود واردشدن برخی از شیعیان کویت در صفحه مخالفت با رژیم اما آن ها در بسیاری از مواقع شیوه مخالفت نرمتری را در قبال حکومت در پیش گرفتند.

* طی سال های بعد شیعیان نمایندگی خود را در مجلس حفظ کردند، وحضورشان در دولت ادامه یافت و هیچ وزارت خانه ای برای ورود وزیران شیعه مانع یا مزاحمتی ایجاد نکرد (ناصر، ۲۰۱۱، ۲۲۰).

روابط شیعیان و دولت کویت

کویتی ها، حدود سی تا چهل درصد شیعیان «امامی» یا پیرو خط امام (خط الامام). آنان از تعالیم آیت الله خمینی و نظریه او درباره اداره حکومت اسلامی به دست روحانیون (ولایت فقیه) پیروی می کنندلذا آنان اسلام گرایان محافظه کاری هستند که در مقایسه با دیگر شیعیان، ارتباط قوی تری با حکومت ایران دارند. رهبران گروه پیرو خط امام کویت روابط مستحکمی با نهادهای مذهبی ایرانی در قم و تهران دارند و این امر موجب شده است که کویتی ها دیدگاه این گروه را متراffد با سیاست رسمی ایران بدانند (فولر و فرانکه، ۳۱۶: ۱۳۸۴). اتحاد بین حکومت و شیعیان بعد از استقلال حتی بعد انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م. ادامه یافت به ویژه بعد از این که آن ها در نهادهای دولتی صاحب نماینده شدند به طوری که شیعیان از ۲۰ نماینده مجلس تأسیسی که در تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۶۱ بعد از استقلال کویت از بریتانیا تشکیل شد نماینده داشتند. وظیفه این مجلس، نوشتمن پیش نویس قانون اساسی برای کشور بود

همچنین قانون حق رأی و نامزدی برای همه کویتیان بدون در نظر گرفتن تعلقات فرقه ای را تصویب کرد. واین به شیعیان اجازه داد که در مجلس نمایندگان حضور داشته باشند. اولین انتخابات براساس قانون اساسی جدید در سال ۱۹۶۳ برگزارشد و شیعیان از این تاریخ در مجلس ملی و دولتی به تعداد مختلف نماینده داشته اند (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۰۸). اتحاد شیعیان و حکومت در موارد زیر بیشتر نقش خود را نشان داد:

*هنگامی که ملی گرایان عرب در دهه ۹۰ میلادی به عنوان تهدیدی برای آل صباح درآمدند، شیعیان پشتیبان آن ها بودند و در این زمینه گرایشات ملی گرایانه شیعیان و به اعتبار این که آن ها ایرانیان فارس هستند و عرب نیستند موثر بود، بویژه این که بخش بزرگی از شیعیان کویت ایرانی تبار هستند (المدیرس، ۱۹۹۹: ۱۸). هنگامی که حکومت کویت خطر جریان ملی گرایان را برضد خودش احساس کرد به تقویت رابطه خود با جریان اسلامی غیر افراطی وغیر فعال در زمینه سیاسی پرداخت و در این چهارچوب نقش انجمن فرهنگی اجتماعی شیعه که در سال ۱۹۶۳ تأسیس شده بود برجسته شد) الغبرا، بی تا: ۱۱۳ - ۱۱۰). در این میان موضع شیعیان کویتی که در برخورد با جریان ملی گرایان در کنار حکومت ایستاده بودند مخالف موضع همتایان خود در بحرین و عربستان سعودی بود که به حد زیادی وارد جریان های ملی گرا شده بودند (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۰۹).

*بخش اعظم شیعیان در پارلمان کویت از زمان استقلال کویت تا انقلاب اسلامی ایران جزء مخالفان حکومت نبودند بلکه جزئی از دولتان حکومت بودند (المدیرس، ۱۹۹۹: ۱۹). با وجود این که مشخصه رابطه بین شیعه و نظام حاکم در کویت تا وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ همان اتحاد و آرامش بود اما این امر به معنای وجود برخی نیروهای شیعه که در کنار حکومت نبودند نیست، که می توان به مهم ترین آن ها در زیر اشاره کرد:

* حزب دعوت اسلامی: سال ۱۹۵۷ بوسیله سید محمد باقر صدر در عراق تاسیس شد و همان گونه که قبل از آن اشاره شد تلاش کرد تا شعبه های آن را در کشورهای حاشیه خلیج فارس ایجاد کند. در مقایسه با آنچه که در عربستان سعودی و بحرین روی داد و این حزب در آن دو کشور به صورت کاملاً مخفیانه به فعالیت پرداخت، فضای باز کویت به فعالیت نسبی این حزب در انجا به صورت علنی کمک کرد، به جز اینکه اعضای آن



پس از متهمن شدن حزب به دست داشتن در بمب گذاری هایی که طی دهه ۸۰ میلادی در کویت رخ داد، تحت تعقیب نیروهای امنیتی دولت قرار گرفتند.

* حزب جنبش اسلامی: پس از استقلال کشور در سال ۱۹۶۲ به شکل مخفیانه شکل گرفت، وازارز ترین بنیان گزاران آن سید احمد مهری بود و خط مشی سیاسی شبیه به آنچه که امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران پیاده کرده بود اتخاذ می کرد، اما این حزب به مدت طولانی دوام پیدا نکرد و بعد از این که اسم آن به حزب اسلامی تغییر کرد از صحنه محو شد. (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۱۰).

* انجمن فرهنگی اجتماعی: در سال ۱۹۶۳ شکل گرفت و اولین حضور علنی سازمان های شیعه بود که از جهت گیریهای بازامیر کویت در آن زمان استفاده می کرد (فتحی، ۲۰۰۶: ۱۸۷). و با وجود این که انجمن با نام انجمن خیریه غیردولتی ثبت شده بود اما شبیه یک سازمان سیاسی بود چرا که شیعیان آن را به عنوان واسطه ای برای فعالیت های سیاسی غیرعلنی خود قرار داده بودند به طوری که انجمن سرپوشی برای کارهای حزب دعوت و وفعالیت های آن بود و به همین خاطر بر اعضای حزب "خط انجمن فرهنگ" اطلاق می شد اما در سطح عمومی و علنی فعالیت انجمن محدود به خواسته های آن منبی برای جاد مساجد و حسینیه های بیشتر برای شیعیان شد و در هیچ فعالیت سیاسی شرکت نکرد. اما بعد از انقلاب اسلامی ایران شروع به فعالیت سیاسی به شکل علنی کرد، که نقش این انجمن در جنبش مسجد شعبان که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت معلوم شد. و در دهه ۸۰ میلادی بعض از اعضای انجمن به دست داشتن در خشونت هایی که در کشور روی داد متهمن شدن و در سال ۱۹۸۹ حکومت انجمن را تعطیل کرد.

* جنبش رسالیین پیشتاز: در سال ۱۹۶۸ در کربلای عراق بوسیله سید محمد شیرازی تأسیس شد، و عبارت بود از تجمع نیروهای مذهبی شیعه در عربستان سعودی، بحرین، عراق، عمان، و کویت. این جنبش روش انقلابی اتخاذ کرده بود که خواستار تغییر ساختار حکومت بود.

* جماعت شیرازی: منتب به سید محمد شیرازی است که سال ۱۹۲۸ در شهر نجف اشرف عراق به دنیا آمد و در سال ۲۰۰۱ در شهر قم ایران از دنیا رفت. و در ایران با امام

خمینی مخالفت نموده واز نظریه " ولایت فقیه " انتقاد کرد و آن را نظریه دیکتاتوری دانست و نظریه دیگری در رابطه با حکومت شیعه مطرح کرد که همان نظریه " شورای فقهاء " است که در فصل اول این بررسی به آن اشاره شد. شیرازی در اوائل دهه ۸۰ از کویت تبعید شد و به ایران رفت و در قم زندگی کرد تا این که از دنیا رفت.

* گروه رسمی جوانان: در اوائل دهه ۷۰ قرن بیستم تشکیل شد و خواستار افزایش تعداد نمایندگان شیعه در مجلس ملی شد و هدف آگاه کردن فرزندان شیعه به اهمیت کار به منظور محقق شدن منافع جامعه شیعه از طریق کانال های مندرج در قانون اساسی و قانون بود، اما فعالیت این گروه بعد از اینکه بعضی اعضای آن مهاجرت کردند و به سازمان های شیعه دیگر پیوستند مدت طولانی ادامه پیدا نکرد.

* انجمن شنبه: عبارت بود از سازمان غیررسمی که علماء شیعه را در برمی گرفت و در نیمه ۷۰ میلادی قرن بیستم تشکیل شد و هدف مشترک علماء ، رسیدگی به مشکلات جامعه شیعه و حمایت از نامزدهای شیعه در انتخابات همگانی بود.

* جوانان قانون اساسی ملی: در سال ۱۹۷۴ توسط خالد خلف تاسیس شد که گرایشات ملی گرایانه داشت و ارتباط قوی با جنبش ملی گرایان عرب ومصطفی صراف داشت که در صفحه جنبش ملی گرایان عرب بود. و تاکید شده بود که این گروه، شیعه ملی گرای مطلق است واهدافش مبتنی بر تفکیک قوا ، وحدت ملی و توسعه دمکراسی است. اما فعالیت این گروه پس از انتخابات مجلس ملی در سال ۱۹۷۵ که در آن شرکت کرد و یکی از نامزدهایش توانست بر نامزد شیعه دیگر که از طرفداران حکومت بود پیروز شود

تمام شد(ناصر ، ۲۱۲ - ۲۱۱).



نتیجه گیری

گسترش مذهب شیعه درون ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و... کویت در طول تاریخ، زمینه نفوذ شیعیان در کارکردهای سیاسی جامعه کویت را فراهم نموده است. لذا جنبش های اجتماعی در کویت نقش به سزاگی در قدرت یابی شیعیان در ساختارهای سیاسی کویت داشته است.

انقلاب اسلامی ایران علاوه بر تاثیر گذاری بر کشورهای مختلف جهان ، توانست بیشترین و عمیق ترین تاثیر را بر کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس و خصوصا شیعیان این کشورها گذاشت و موجبات تحرک و تحول گروه های اسلامی و خصوصا گروه ها و دسته جات شیعی فراهم گردد به گونه ای که شیعیان کویت با تاثیر پذیری از انقلاب اسلامی ایران به دنبال ، ایفای حقوق مدنی و سیاسی خویش برآمدند و همین امر موجبات افزایش نقش شیعیان در روند مسائل سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی کویت را فراهم نمود. البته باید توجه داشت که حمله عراق به کویت نیز به نوعی باعث افزایش فعالیت گروه های شیعه گردید زیرا این حمله نه تنها واکنش مجامع جهانی را بر انگیخت ، بلکه شیعیان کویت نیز در این زمینه اعتراضاتی کرده و با مقاومت در برابر اشغالگران از سرزمین خود دفاع کردند.

منابع:

- المدیرس ، فلاح عبدالله : ملامح اولیه حول نشات التجمعات و التنظيمات السياسيه فى الكويت ١٩٣٨ - ١٩٧٥ : الكويت . دار قرطاس . ١٩٩٩
- الغبرا، شفيق : الكويت : دراسه فى آليات الدولة القطرية و السلطة و المجتمع المدنى، قاهره ، مركز ابن خلدون للدراسات الانمانيه، دار الامين ، بي تا
- المدیرس ، فلاح عبدالله : الحركة الشيعية فى الكويت ، الكويت ، دار قرطاس ، ١٩٩٩ م.
- استديش، جان: ايران و خليج فارس؛ دور نما و چشم انداز آينده، ترجمه عبدالرضا سalar بهزادى، چاپ اول، تهران، نى، ١٣٨٣
- ـ جعفری ولدانی، اصغر: تحولات مرزها و نقش ظئوپلیتیک آن در خلیج فارس، چاپ اول، تهران، قومس، ١٣٧٤
- ـ فتحی ، ممدوح انيس : الامن القومى الايراني :مصادر التهديد و آليات المواجهه ، ابوظبى ، انتشارات ممدوح انيس فتحى ، ٢٠٠٦
- ـ حسینی ، سليم : عالمان شیعه رویاروی استعمار ، ترجمه محمد هادی باسخواه ، چاپ اول ، مشهد ، انتشارات آستان قدس رضوی ، ١٣٧٨

- حشمت زاده ، محمد باقر : تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی ، تهران ، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ، ۱۳۸۵
- حافظ نیا ، محمد رضا : خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات کیهان ، ۱۳۷۱
- حیدری، علی حسن: «شیعیان در کویت»، روزنامه صبح صادق، ش ۱۵۲، ۴ خرداد ماه ۱۳۸۲، ص ۱۱
- سعید، نعمت: النظم السياسيه فى الشرق الأوسط، ط ۱ ، بغداد، شركه الطبع و النشر الاهليه، ۱۹۶۸
- سیفی، حسن: آشنایی با کشور کویت، چاپ اول، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، ۱۳۸۶
- فیلی روباری ، لواء : کویت (کتاب سبز) ، تهران ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، ۱۳۳۵ ،
- فاضلی نیا ، نفیسه : ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی ، قم ، انتشارات شیعه شناسی ، ۱۳۹۱
- فولر، گراهام و فرانکه، رند رحیم: شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، چاپ اول، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۴
- کریستال، جیل: نفت و سیاست در خلیج فارس؛ حکومتگران و بازرگانان در کویت و قطر، ترجمه ناهید اسلامی و شاچور جورکش، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷
- کویت، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه: تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۹۰
- کاظمی دینان ، مرتضی: علل خیزش شیعیان حاشیه جنوبی خلیج فارس (عربستان سعودی ، بحرین ، کویت) ، قم ، شیعه شناسی ، ۱۳۸۸
- گروه تحقیق مرکز مطالعات و پژوهش های کویت: کویت از پیدایش تا بحران، ترجمه و ویژایش از موسسه فرهنگی تحقیقاتی ایران و اسلام، چاپ اول، تهران، قصیده سرا، ۱۳۸۱



ستقی زاده، زینب: جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، قم، موسسه شیعه
شناسی، ۱۳۸۴

ناصر ، شحاته محمد : سیاستات النظم الحاکمه فی البحرين و الكويت و السعوديه فی
تعامل مع المطالب الشيعيه ، بيروت ، مركز دراسات الوابدہ العربيه ، ۲۰۱۱ م.
یاسین ، بوعلی و باروت، محمد جمال و طياره، محمد نجاتی: الاحزاب و الحركات القويه
العربيه، بي جا، المركز العربي للدراسات الاستراتيجيه، بي تا.